

قرار گرفت. از آنجا که منطقه مزبور در خشکی محصور بوده، بزرگ‌ترین مشکل ژئوپلیتیک این جمهوری‌ها و شرکت‌های نفتی، انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی است که به ناچار برای عرضه انرژی باید از خطوط انتقالی استفاده شود. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که مسیرهای انتقال خطوط انرژی این منطقه چه تأثیری بر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی خواهد گذاشت و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی ایران خواهد گذارد.

واژگان مهم: انرژی، ژئوپلیتیک دریای خزر، خطوط انتقال انرژی، ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

یکی از مسائلی که بعد از سال ۱۹۹۱م همراه رژیم حقوقی دریای خزر کشورهای منطقه را به خود مشغول کرده، مسئله مربوط خطوط انتقال انرژی منطقه است که از نظر اهمیت با موضوع رژیم حقوقی آن دریا عجین شده است (Bourman, 2006: 109-111). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م، شرایط مطلوبی را برای بهره‌برداری از ثروت نفت و گاز کشورهای حاشیه دریای خزر، به‌ویژه جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان فراهم آورد؛ چرا که از زمان شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی در اوایل قرن بیستم، دروازه‌های این کشورها به روی شرکت‌های نفتی بین‌المللی بسته شده بود. بعد از رهایی این کشورها از سلطه شوروی، نوعی خلاء قدرت استراتژیک در منطقه ایجاد شد که زمینه ایجاد رقابت‌های تجاری و استراتژیک در حوضه دریای خزر، به‌ویژه رقابت بر سر ذخایر توسعه نیافته نفت و گاز را در این منطقه از جهان تشدید کرد (بهجت، ۱۳۷۹: ۱۶).

مسیرهای بالقوه و بالفعل برای انتقال انرژی دریای خزر و مزیت‌هایی که انتخاب هر یک از این مسیرها در اختیار کشورهای واقع در این مسیر قرار

خطوط انتقال انرژی دریای خزر و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران

بهرام نوازنی* و حافظ شجاعی**

چکیده

دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان است که میان آسیا و اروپا واقع شده و فاقد آبراه طبیعی به آب‌های آزاد می‌باشد. تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، دریای خزر به‌عنوان دریای ایران- شوروی شناخته می‌شد ولی در عمل تحت اختیار و سلطه شوروی قرار داشت و حتی استخراج نفت و تقسیم آن میان جمهوری‌های خودمختار داخلی شوروی بدون هماهنگی با ایران در محدوده مناطق بالای خط موهم حسینقلی-آستارا صورت گرفته بود. به‌دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور سه کشور جدید قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان، وضعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه نیز تغییر یافت و منابع انرژی موجود در آن توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بیش از پیش به خود جلب کرد.

با افزایش روزافزون وابستگی اقتصادی جهان به منابع انرژی هیدروکربنی و ادامه تنش‌ها در خاورمیانه و بی‌ثباتی آن منطقه و همچنین ظهور روسیه به‌عنوان یک بازیگر اصلی در بازار انرژی جهان، نفت و گاز خزر و مسیرهای انتقال انرژی آن به بازارهای مصرف نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی و شرکت‌های نفتی جهانی

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

info@navazeni.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

shojaei.hafez@yahoo.com

دارد باعث گردید تا این موضوع به یکی از موارد اغواکننده برای طرف‌های مختلف منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای تبدیل شود (قبادزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸). آنچنان که از اوضاع سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد برمی‌آید به اعتقاد سجادپور (۱۳۸۴: ۶۲)، بهره‌برداری از منابع انرژی در حوزه دریای خزر از چنان اهمیتی برخوردار شده است که «با سیاست بین‌الملل پیوند خورده است» زیرا با چند برابر شدن تعداد بازیگران بومی و منطقه‌ای در این دریا و اتخاذ روش و راهبرد هر بازیگر متناسب با تعریف خاصی که از منافع و امنیت ملی خود دارد، معادلات سیاسی جدیدی در فضای مناسبات منطقه حاکم شده است.

در مسیر قرار گرفتن این کشورها، آن‌هم در مسیر کالاهای پرارزش و استراتژیکی همانند انرژی، مزایا و فرصت‌های مختلفی از جمله درآمدهای اقتصادی و مزیت‌های استراتژیک و سیاسی را برای کشورهای معبر انرژی قرار داده است (قبادزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸). دسترسی به نفت و گاز طبیعی برای مصارف داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد اشتغال، دریافت حق ترانزیت قابل‌توجه و اعمال کنترل بر جریان نفت و گاز از جمله این منافع به‌شمار می‌آیند. از همین‌رو، رهبران کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، بهره‌برداری از منابع نفت و گاز منطقه را سنگ بنای پیشرفت اقتصادی خود می‌دانند و نمونه آن قرارداد دولت آذربایجان و شرکت‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۴م درباره چگونگی حمل‌ونقل نفت به بازارهای جهانی بود که به «قرارداد قرن» مشهور گردید (www.zaman.com, 2007).

اما نکته مهم در این است که این کشورها در خشکی محدود و محصورند و نمی‌توانند نفت و گاز خود را از طریق نفتکش صادر کنند، بنابراین، چاره‌ای ندارند جز اینکه منابع خود را از طریق خطوط لوله‌ای که ناگذیر باید از مرزهای بین‌المللی و خاک کشورهای دیگر بگذرد به بازارهای هدف خود

انتقال دهند. از این‌رو، مسئله انتخاب مسیرهای بالقوه از میان کشورهای هم‌جوار، برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز برای شرکت‌های نفتی از اهمیت بالایی برخوردار شده است. در این میان، مسئله دیگری خودنمایی می‌کند و آن تلاش کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده، برای دور نگه داشتن ایران و روسیه از مسیرهای ترانزیت منابع انرژی دریای خزر و ایجاد تنوع در خطوط انتقال آن است (میرحیدر و طاهری، ۱۳۸۱: ۱۸۳). در دوره شوروی سابق، خطوط لوله انتقال انرژی دریای خزر اکثراً در خاک روسیه احداث شده و از آن کشور عبور می‌کرده است و هم اکنون نیز بخش زیادی از منابع انرژی دریای خزر از طریق خاک روسیه صادر می‌شود، درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران تاکنون نتوانسته بهره‌چندانی از این وضعیت ببرد. این مقاله در تلاش است تا با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی، مسیرهای انتقال خطوط انرژی، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مسیرهای انتقال خطوط انرژی این منطقه چه تأثیری بر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی خواهد گذاشت و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی ایران خواهد گذارد.

دریای خزر و ژئوپلیتیک آن

دریا یا به‌عبارت دقیق‌تر، دریاچه خزر که با نام‌های مازندران و در انگلیسی به نام دریای کاسپین^۱ نیز شناخته می‌شود، گسترده‌ترین دریاچه جهان است که از جنوب شرق قاره اروپا تا نواحی مرکزی آسیا امتداد دارد و تنها سواحل جنوبی آن در دامنه کوهستانی البرز متعلق به ایران است. دریای خزر، پنج برابر بزرگ‌تر از دومین دریاچه وسیع جهان (سوپریور در آمریکای شمالی)

^۱.Caspian Sea

بوده و حدود دو برابر خلیج فارس وسعت دارد. این دریا فاقد راه آبی طبیعی به دریاهای آزاد است و تنها از طریق کانال ولگا-دن به دریای سیاه متصل می‌گردد. با اینکه همه خصوصیات یک دریا را ندارد، از دیرباز به دلیل بزرگی و میزان نمک، دریا نامیده شده است (احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۲۱). سطح آب دریای خزر همواره در حال تغییر است و همین تغییرات سطح، موجب متغیر بودن مساحت آن نیز شده است و به همین دلیل در منابع مختلف، وسعت دریای خزر متفاوت ذکر شده و گفته می‌شود حداقل مساحت این دریا، حدود ۳۹۳ هزار کیلومتر مربع بوده و حتی تا ۴۶۳ هزار کیلومتر مربع نیز افزایش یافته است. این دریا دارای ۱۲۰۰ کیلومتر درازا بوده و پهن‌ترین قسمت آن ۵۴۴ کیلومتر و باریک‌ترین قسمت آن ۲۰۲ کیلومتر و عرض متوسط آن ۳۲۰ کیلومتر می‌باشد. طول کل ساحل این دریا حدود ۶۴۰۰ کیلومتر است که حدود ۹۹۲ کیلومتر آن از خلیج حسینقلی (نقطه اتصال مرز خشکی ایران با ترکمنستان و تلاقی آن با دریا) در شرق شروع شده و تا نقطه مشترک مرزی دو کشور ایران و آذربایجان در بندر آستارا در غرب دریای خزر امتداد دارد، متعلق به جمهوری اسلامی ایران است و مابقی سواحل مربوط به چهار جمهوری هم‌جوار دریای خزر در نواحی شرق، شمال و غرب آن می‌باشد (نامی، ۱۳۸۹: ۴۹).

منطقه دریای خزر در چارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیک دوره جنگ سرد و قبل از آن یعنی نظریه‌های مکیندر و اسپایکمن در میان دو قلمرو هارتلند^۱ و ریملند^۲ واقع شده بود. به این ترتیب که بخش عمده آن در شمال، جزو هارتلند و در کنترل قدرت زمینی روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت و بخش جنوبی آن در زمره قلمرو ریملند و سرزمین حاشیه، در کنترل

ایران بود. این منطقه در دوره جنگ سرد و قبل از آن، سطح برخورد و اصطکاک دو قدرت جهانی زمینی و دریایی (روسیه و انگلستان و سپس آمریکا و شوروی) بود. ظهور منطقه جدید دریای خزر فقط یک نماد روی نقشه سیاسی نبود، بلکه تغییرات مهمی در رویکرد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به آن به‌وجود آمد.

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امور مربوط به دریای خزر بر اساس توافق‌های دوجانبه میان ایران و شوروی حل‌وفصل می‌شد و به‌نوشته کولائی (۱۳۸۷-۱۳۸۶: ۶۷) حضور پر قدرت نظام کمونیستی اصلاً مجالی برای مداخله و نفوذ کشورهای خارج از منطقه باقی نمی‌گذاشت درحالی‌که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، انزوای این منطقه از جهان نیز پایان یافت و فرصتی فراهم شد تا جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز هم بتوانند به دور از مسکو با دیگر کشورهای جهان روابط دیپلماتیک برقرار کنند. این تحول اتفاق کوچکی نبود چرا که به نوشته کوهن موجب تحول در الگوی موازنه قدرت دوران جنگ سرد و پدیدار شدن ساختار جدید قدرت جهانی و در نتیجه تحول در هویت ژئوپلیتیک دریای خزر گردید (Cohen, 1996: 46). به اعتقاد حافظ‌نیا (۱۳۷۸: ۴۳) نیز منطقه ژئوپلیتیک دریای خزر از جمله مناطق خفته‌ای بوده که پس از جنگ سرد از خفتگی بیدار شده و به‌صورت یک منطقه فعال و دارای کارکردهای خاص درآمده و با وجودی که هنوز از تکامل لازم برخوردار نبوده و استقرار سازنده‌ای پیدا نکرده، اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هویت جدیدی به دست آورده است.

اگرچه منطقه دریای خزر در مفهوم جغرافیایی کلمه در برگیرنده پنج کشور ساحلی دریای خزر است، ولی به نظر رفیع و دیگران (۱۳۹۰: ۱۵۰) مناطقی از چهار حوزه ژئوپلیتیک مختلف را به‌طور هم‌زمان در بر گرفته است که عبارت‌اند از: جمهوری آذربایجان از حوزه قفقاز، ترکمنستان و قزاقستان از

^۱.Heartland

^۲.Rimland

شود؛ و دیگر اینکه، برخی کشورهای ساحلی این دریا هستند که از زمان فروپاشی اتحاد شوروی و رسیدن به استقلال، تمایل داشتند تا با ارائه آمار اغراق‌آمیز در زمینه ذخایر نفت و گاز منطقه، شرکت‌های نفتی را تشویق نمایند تا بیش از پیش به این منطقه روی آورند.

آمارهای اغراق‌آمیز در زمینه میزان ذخایر نفت و گاز منطقه تا حدی پیش رفته بود که منطقه دریای خزر را بعد از سیبری و خلیج فارس، سومین حوزه نفتی جهان و کویت قرن بیست و یکم لقب می‌دادند (www.nixon.org/publication/energy). حتی مطالعات مکنزی پیش‌بینی می‌کرد که تا سال ۲۰۱۵ تولید منطقه دریای خزر به ۳/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (www.oilandgas.com). یک مرکز مطالعات انرژی در غرب در سال ۲۰۰۶، با انجام برآوردهای میدانی اعلام کرده بود که یک سوم منابع گاز طبیعی و نفت خام دست نخورده جهان، در سواحل و زیر آب‌های دریای خزر قرار دارد و حتی در گامی فراتر، این دریا را «قبله نفت» لقب داده بود. همین پیش‌بینی‌های دور از واقع، باعث شده بود تا دریای خزر به صحنه درگیری و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل گردد.

حتی امروزه نیز آمار و ارقامی که برای منابع انرژی حوزه دریای خزر ارائه و تخمین زده می‌شود تفاوت آشکاری دارد اما آنچه مسلم است نفت و گاز موجود در بستر این دریا، در دهه‌های آینده از منابع مهم تأمین انرژی مورد نیاز جهان خواهد بود. بر اساس اداره اطلاع‌رسانی انرژی ایالات متحده آمریکا، ذخایر نفت اثبات شده در این منطقه ۳۸ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی آن ۱۸۶ میلیارد بشکه برآورد می‌شود که از این میزان، قزاقستان در آسیای مرکزی با مجموع ذخایر ۱۲۲ میلیارد بشکه، بیشترین ذخایر نفت را در اختیار دارد و بعد از آن ترکمنستان به‌عنوان ضلع دیگر صاحب انرژی آسیای مرکزی با ۳۸/۶ میلیارد بشکه، جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز با ۳۹

حوزه آسیای مرکزی، روسیه به‌عنوان جانشین اتحاد شوروی و یک واحد سیاسی فعال در نظام بین‌المللی و یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز جهان در شمال، و ایران در جنوب که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است و مسیری ارزان و کوتاه برای انتقال منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر می‌باشد که در مجموع، کانون امنیتی این منطقه را تشکیل می‌دهد.

این کشورها با وجود گذشت بیش از بیست سال از فروپاشی شوروی هم‌چنان با مشکلات نظام اقتصادی یک‌پارچه دوران برنامه‌ریزی متمرکز دست به گریبان بوده (کولائی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶: ۴۸) و به‌دلیل نوپا بودن و فقر مالی، هم‌چنان نیاز مبرمی به عواید ناشی از صدور این منابع جهت اجرای برنامه‌های توسعه خود دارند و به‌همین دلیل است که به نظر حافظ‌نیا (۱۳۷۸: ۱۶۸) برای پیوند با نظام اقتصاد بین‌المللی نیازمند برقراری ارتباط با شبکه‌های ارتباط اقیانوسی هستند. در حقیقت آنچه باعث افزایش اهمیت بیش از پیش این منطقه برای بازیگران سیاسی آن شده است، به اعتقاد احمدی‌پور و دیگران (۱۳۸۹: ۲۲) عبارت‌اند از: وجود منابع انرژی فسیلی اعم از گاز و نفت و در نتیجه آن مسئله انتقال از این منطقه به بازارهای مصرف و مسئله دسترسی کشورهای محصور در خشکی این منطقه به جهان خارج.

وضعیت انرژی حوزه دریای خزر

از ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برآورد آماری متفاوتی از منابع نفت و گاز خزر مطرح بوده و این نشان می‌دهد که ذخایر انرژی در این منطقه تحت تأثیر علایق سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. این علاقه را از دو بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد: یکی تمایل کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به ایجاد تنوع در مراکز تولید انرژی فسیلی است که از اتکای این کشورها به منابع نفت خلیج فارس کاسته

میلیارد بشکه، ایران با ۱۵/۱ میلیارد بشکه، روسیه با ۷/۳ میلیارد بشکه و ازبکستان با ۲/۵۹ میلیارد بشکه ذخایر نفت قرار می‌گیرند (EIA, 2012). این منطقه از حجم عظیمی از ذخایر اثبات شده گاز نیز برخوردار است و با توجه به برآورد اداره اطلاع‌رسانی انرژی، به نظر می‌رسد که بیش از ۳۸۰ تریلیون فوت مکعب گاز اثبات شده جهان در این منطقه قرار گرفته و ظرفیت بالقوه‌ای نیز برای مقادیر هنگفتی نفت و گاز داشته باشد (EIA, 2012).

جدول ۱ ذخایر نفت کشورهای منطقه دریای خزر (میلیارد بشکه)

کشور	ذخایر اثبات شده	ذخایر احتمالی	کل ذخایر
قزاقستان	۳۰	۹۲	۱۲۲
آذربایجان	۷	۳۲	۳۹
ترکمنستان	۰/۶	۳۸	۳۸/۶
ازبکستان	۰/۵۹۴	۲	۲/۵۹۴
روسیه	۰/۳	۷	۷/۳
ایران	۰/۱	۱۵	۱۵/۱
کل منطقه دریای خزر	۳۸/۵۹۴	۱۸۶	۲۲۴/۵۹۴

Source: Caspian Sea Region: Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, EIA, 2012 at www.eia.gov/

اما ظرفیت عظیم بالقوه و بالفعل منابع انرژی دریای خزر تنها یک سوی مسئله است و بهره‌برداری گسترده از این منابع هم بنوبه خود از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که خود مستلزم همکاری بین‌المللی برای حل دو مشکل بازدارنده دیگر یعنی تعیین نظام حقوقی (مالکیت منابع) و انتخاب مسیرهای انتقال می‌باشد. مسئله مهم دیگر در این باره ثبات قیمت نفت برای یک دوره طولانی در سطح پایین است که از نظر بهجت (۱۳۷۹: ۱۹) ممکن است تغییر

عمده‌ای در تصمیمات مربوط به تخصیص سرمایه نیز به‌بار آورد و باعث دور شدن سرمایه‌گذاری خارجی از دریای خزر گردد. ذخایر دریای خزر با وجود نزدیکی به بازارهای مصرف نفت و گاز استخراجی، به‌راحتی قابل عرضه در مناطق تقاضا نیست و همین بر پیچیدگی مسئله افزوده است. با وجود آنکه از قفقاز تا اروپای شرقی راه طولانی نیست و قزاقستان نیز با چین هم‌مرز و همسایه است، اما جغرافیای منطقه به نوعی است که مسیرهای آبی انتقال منابع انرژی در این بخش از جهان بسیار کم، مسیرهای خشکی بسیار طولانی و کوهستانی، و دسترسی به دریاها آزاد برای اغلب کشورهای منطقه تنها از طریق کشورهای واسطه امکان‌پذیر است (اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸: ۹-۱۰).

جدول ۲: ذخایر و تولید گاز در کشورهای منطقه خزر (میلیارد فوت مکعب)

کشور	ذخیره گاز (اثبات شده)		تولید گاز	
	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۰۰
ایران	۱۰۴۵/۶۷۰	۲/۱۲۷	۵/۳۶۱	۲۰۰۰
ترکمنستان	۲۶۵/۰۰۰	۱/۶۴۲	۲/۳۳۸	۲۰۰۰
قزاقستان	۸۵/۰۰۰	۳۱۴	۴۰۱	۲۰۰۰
جمهوری آذربایجان	۳۰/۰۰۰	۲۰۰	۶۳۱	۲۰۰۰
روسیه	۱/۶۸۰/۰۰۰	۱۹/۳۳۵	۲۳/۶۸۶	۱۹/۳۳۵

Source: Caspian Sea Region: Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, EIA, 2012 at www.eia.gov/

از همین رو، به نظر می‌رسد ماهیت قدرت در روابط بین‌المللی پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد اگر از نظامی به اقتصادی تغییر نیافته باشد، دست‌کم معادلات ژئواکونومیک جای خود را در کنار معادلات ژئواستراتژیک باز کرده و دست‌یابی به منابع معدنی و هیدروکربنی، به یکی از اهداف بسیار مهم قدرت‌های جهانی و محرک اصلی چرخ‌های اقتصادی آنها تبدیل شده باشد و این در واقع تأییدی بر صحت دیدگاه ژئوپلیتیک است که

بر طبق آن قدرت برتر جهان برای تسلط بر جهان ناگذیر از تسلط بر منابع معدنی و انرژی جهان خواهد بود.

اهمیت جایگاه ایران در ژئوپلیتیک جهان و منطقه در همین نکته است که ایران در همین موقعیت بیضی میان خزر و خلیج فارس قرار گرفته که امروزه در کانون انرژی جهان قرار گرفته، بیش از هشتاد درصد ذخایر نفت و گاز جهان را در خود جای داده است. از این رو، ثبات و عدم ثبات ایران با امنیت انرژی جهان پیوند خورده و عدم ثبات و امنیت در «قلب انرژی جهان» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۱) می‌تواند مشکلات زیادی در تأمین انرژی جهان به‌همراه آورد. با این حال این حضور فعال و پیوستگی ایران در منطقه حساس استراتژیک می‌تواند موجب تقویت اصول‌گرایی اسلامی و تهدیدی علیه منافع غرب گردد. حتی اگر همکاری گسترده و استراتژیک ایران و روسیه و به تبع آن کشورهای ساحلی دریای خزر شکل گیرد، ممکن است حضور و نقش غرب را در این منطقه کاهش داده و یا به صحنه رویارویی و رقابت هر چه فزاینده بکشاند که از نظر احمدی‌پور (۱۳۷۹: ۱۵) «هر دو سناریو قابل پیش‌بینی خواهد بود.»

مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که به‌خاطر ایستادگی جمهوری اسلامی ایران بر مواضع انقلابی و اصولی خود از یک‌سو، تحریم‌های تجاری، مالی و نفتی آمریکا و هم‌پیمانان آن بر جمهوری اسلامی ایران هر زمان با شدت بیشتری نسبت به گذشته تداوم می‌یابد و از سوی دیگر انتخاب مجدد پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و پی‌گیری سیاست خارجی اوراسیایی و تأکید بر مناطق «خارج نزدیک»، خود ابعاد جدیدتری یافته است.

خطوط انتقال انرژی منطقه دریای خزر

به این ترتیب، نیاز کشورهای تولیدکننده منطقه دریای خزر و مصرف‌کننده دیگر نقاط جهان به منابع انرژی این منطقه موجب شده تا توجه و سرمایه این کشورها برای انتقال این منابع از طریق خطوط لوله و یافتن مسیرهای جدیدی برای آن متمرکز گردد. تلاش در این زمینه را می‌توان در چهار مسیر کلی رقیب خلاصه کرد که با توجه به مخاطرات و اختلافات داخلی و بین‌المللی از سوی دسته‌ای از کشورها حمایت می‌گردد:

۱) از مسیر شمال که مورد حمایت فدراسیون روسیه قرار دارد، کشورهای آذربایجان و قزاقستان تشویق می‌شوند تا با گسترش خطوط لوله خود و اتصال آن به خطوط لوله موجود روسیه که بیش از ۹۰ درصد انحصار خطوط نفتی آن تحت کنترل شرکت دولتی انتقال نفت^۱ روسیه و ۱۰۰ درصد خطوط گازی در انحصار دیگر شرکت دولتی گازپروم^۲ می‌باشد، انتقال نفت و گاز تولید شده خود را به ۱۸ بندر صادراتی روسیه از جمله دو بندر بزرگ نووروسیسک^۳ در دریای سیاه و پرموسک^۴ در دریای بالتیک و یا از طریق خطوط لوله به کشورهای غرب اروپا منتقل کنند. خطوط لوله نفت صادراتی روسیه عبارت‌اند از دروژبا^۵، سامانه خط لوله بالتیک^۶، سامانه خط لوله شمال-غرب^۷، تنگیز-نووروسیسک^۸ و باکو-نووروسیسک^۱ و از میان ۹ خط لوله

^۱.Transneft

^۲.Gazprom

^۳.Novorossiysk

^۴.Primorsk

^۵.Druzhba

^۶.Baltic Pipeline System

^۷.North-Western Pipeline System

^۸.Tengiz-Novorossiysk pipeline

بزرگ گاز روسیه تعداد ۷ خط لوله به صادرات اختصاص یافته است که خطوط یامال-اروپای یک،^۲ سبک شمالی،^۳ سایوز^۴ و براترستوو^۵ گاز را از طریق اوکراین و بیلاروس به کشورهای شرق و غرب اروپا صادر می‌کند و خطوط جریان آبی،^۶ (۱۲۰۰ کیلومتر) قفقاز شمالی^۷ و مازدوک-غازی-ماگومد،^۸ (۶۵۰ کیلومتر) گاز ترکیه و دیگر کشورهای شرقی جدا شده از اتحاد شوروی سابق را تأمین می‌کند (www.eia.gov/... RS).

خط لوله جریان شمالی^۹ نیز که گاز روسیه را از مسیر بستر دریای بالتیک مستقیماً به آلمان می‌رساند با دو خط موازی هر یک به طول ۱۲۲۶ کیلومتر در مه ۲۰۱۱ و اکتبر ۲۰۱۲ آغاز به کار کرد (en.wikipedia.org/nord_stream). کنسرسیوم خطوط لوله خزر^{۱۰} شامل ماورای نفت روسی (۲۴٪)، کی ام جی قزاقستان (۱۹٪)، شورون آمریکایی (۱۵٪) و لوک آرکو روسی (۱۲/۵٪)، از سال ۲۰۰۱، مشغول توسعه این خطوط بوده و آن بخش از این خطوط که برای انتقال نفت قزاقستان لازم بوده بدون مشکلی، رقیب یا مخالفی به کار خود ادامه داده است و تاکنون ۱۵۰۰ کیلومتر از خط لوله نفتی را از منابع تنگیز به بندر نووروسیسک در ساحل روسی دریای سیاه در اختیار دارد (www.eia.gov/...KZ) درحالی‌که بخش مربوط به انتقال نفت جمهوری آذربایجان، به خاطر ناامنی منطقه چچن و حوالی آن، چندان خوشایند

¹.Baku-Novorossiysk pipeline

².Yamal-Europe I pipeline

³.Northern Lights pipeline

⁴.Soyuz pipeline

⁵.Bratrstvo pipeline

⁶.Blue Stream pipeline

⁷.North Caucasus pipeline

⁸.Mozdok-Gazi-Magomed pipeline

⁹.Nord Stream pipeline

¹⁰.Caspian Pipeline Consortium (CPC)

سرمایه‌گذاران واقع نشده است (امیراحمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). به نظر انتخابی (۱۳۷۹: ۳۳) علت جذابیت نداشتن این مسیر بیشتر به خاطر احتمال وابستگی کشورهای تازه استقلال یافته به روسیه بوده است.

مهم‌ترین خطوط این مسیر عبارت‌اند از: الف) خط لوله نفتی آتیرائو-ثمره^۱ به طول ۱۱۲۶ کیلومتر که از منطقه آتیرائو در قزاقستان شروع و به ثمره روسیه می‌رسد و در سال ۲۰۰۹، ظرفیت آن به ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته است (www.eia.gov/...KZ)؛ ب) خط لوله نفتی تنگیز-نووروسیسک^۲ به طول ۱۵۱۱ کیلومتر که در اختیار کنسرسیوم خط لوله خزر^۳ قرار دارد و منابع تنگیز قزاقستان را به بندر نووروسیسک روسیه در ساحل دریای سیاه انتقال می‌دهد و با اجرای سومین مرحله توسعه آن در سال ۲۰۱۲، با ظرفیتی بیش از ۱/۲ میلیون بشکه در روز فعالیت می‌کند (pipeline-news.com)؛ پ) خط لوله نفتی باکو-گروزی-نووروسیسک^۴ یا خط لوله صادراتی مسیر شمالی به طول ۱۳۳۰ کیلومتر حداکثر ۴۵ هزار بشکه در روز نفت آذری-چراغ-گونشلی از باکو را با عبور از گروزی در جمهوری چچن به بندر روسی نووروسیسک در ساحل دریای سیاه می‌رساند (en.wikipedia.org/wiki/Baku-Novorossiysk_Pipeline)؛ ت) خط لوله نفتی باکو-ماهاج قلعه-نووروسیسک^۵ با ۲۰ کیلومتر خط لوله فرعی، ۱۲۰ هزار بشکه در روز نفت باکو را به داغستان و از آنجا به تیخورستک در روسیه و در نهایت به پایانه نفتی نووروسیسک در کرانه دریای سیاه انتقال می‌دهد (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) ث) خط لوله گازی مرکز آسیای مرکزی^۶ که با

¹.Uzen-Atyrau-Samara pipeline

².Tengiz-Novorossiysk pipeline

³.Caspian Pipeline Consortium (CPC)

⁴.Baku-Grozny-Novorossiysk pipeline; Northern Route Export Pipeline

⁵.Baku-Makhachkala-Novorossiysk pipeline

⁶.Central Asia Center Pipeline (CAC)

نیمی از ظرفیت سالانه ۳۵۳۰ میلیارد فوت مکعبی خود، گاز ترکمنستان و هم‌چنین گاز خریداری شده از ازبکستان را با عبور از دو مسیر شرق و غرب قزاقستان به سیستم خطوط لوله گاز طبیعی گازپروم روسیه به اوکراین منتقل می‌کند (www.eia.gov/...TX).

خطوط لوله‌ای که از میدان‌های آذربایجان و قزاقستان آغاز و به دریای مدیترانه و دریای سیاه منتهی می‌شوند به مسیر غرب معروف‌اند. این خطوط که تأمین‌کننده حوزه اروپایی مدیترانه است، از سوی ایالات متحده آمریکا حمایت می‌شود؛ چرا که با دور زدن خاک ایران و روسیه، از وابستگی سه کشور دیگر این نفت و گازخیز این منطقه به این دو کشور می‌کاهد. این مسیرها مورد علاقه کشورهای مسیر این خطوط انتقال مثل گرجستان و ترکیه نیز هست چرا که گذشته از کاهش وابستگی به رقیب روسی خود از محل دریافت حق عبور، درآمدی نیز نصیب خود می‌کنند. این خطوط عبارت‌اند از: الف) خط لوله نفتی باکو- سوپسا^۱ به طول ۸۶۳ کیلومتر که ۱۴۵ هزار بشکه نفت در روز را از باکو به بندر سوپسا در گرجستان واقع در کرانه دریای سیاه می‌رساند (www.eia.gov/...AJ؛ ب) خط لوله نفتی خاشوری- باتومی^۲ که نفت آذربایجان را از دانه‌بندی و به بندر گرجی باتومی در ساحل دریای سیاه انتقال می‌دهد (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۲ به نقل از www.eia.doe.gov؛ پ) خط لوله نفتی ماورای خزر (خطوط نفتی دوگانه قزاقستان)^۳ که مسئولیت انتقال نفت از بندر آکتائو در غرب قزاقستان در کرانه دریای خزر و از بستر دریای خزر به باکو را برعهده دارد که می‌تواند تا بندر جیحان در ترکیه امتداد یابد (www.petrolcu.com؛ ت) خط لوله نفتی باکو- جیحان^۴ به طول ۱۸۵۰

کیلومتر از مسیر تفلیس در گرجستان به بندر جیحان واقع در جنوب شرقی ترکیه رفته تا به شمال شرقی مدیترانه برسد در سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید و با تعهد قزاقستان برای انتقال ۴۰۰ هزار بشکه نفت از طریق نفتکش از طریق دریای خزر به باکو، در سال ۲۰۰۸ به ظرفیت نهایی خود یعنی ۱/۲ میلیون بشکه در روز، دست یافت (www.eia.gov/...KZ؛ AJ...www.eia.gov؛ ث) خط لوله گازی ماورای آناتولی (تاناپ)^۱ که عملیات ساخت بخش غربی آن از مرز مشترک ترکیه و گرجستان در سال ۲۰۱۲ آغاز شده و تا مرز مشترک ترکیه و اتحادیه اروپا، امتداد خواهد یافت، در واقع جای‌گزین طرح پیشین ناباکو^۲ در خاک ترکیه شده و درصدد است تا گاز مورد نیاز اروپا را برای ۲۱ سال آینده از میدان شاه‌دیز در جمهوری آذربایجان تأمین کند (www.irannews24.ir؛ ج) خط لوله گازی قفقاز جنوبی؛ باکو-تفلیس-ارض‌روم^۳ به طول ۷۱۰ کیلومتر از سال ۲۰۰۷ به بهره‌برداری رسید و در سال ۲۰۱۰ توانست روزانه مقدار ۴۹۰ میلیون فوت مکعب گاز را از باکو پس از گذر از تفلیس در گرجستان به ارض روم در ترکیه رسانده و به سیستم شبکه خطوط گاز طبیعی این کشور وصل کند (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۱؛ AJ...www.eia.gov؛ چ) خط لوله گازی ماورای خزر^۴ که گاز ترکمنستان را از بندر ترکمن باشی گرفته و با عبور از باکو و تفلیس به ارزروم منتقل و به شبکه انتقال گاز طبیعی ترکیه و اروپا مرتبط می‌کند (www.bbc.co.uk).

مسیر شرق مورد حمایت چین است که با سرعت شگفت‌انگیزی در حال صنعتی شدن و تسخیر بازارهای جهانی است و برای پایین نگاه داشتن ارزش

^۱ Trans-Anatolia (TANAP)

^۲ Nabucco pipeline

^۳ South Caucasus Pipeline (SCP); Baku-Tbilisi-Erzurum pipeline

^۴ Trans-Caspian gas pipeline

^۱ Baku-Supsa pipeline

^۲ Khashuri-Batumi pipeline

^۳ Trans-Caspian pipeline

^۴ Baku-Tbilisi-Ceyhan (BTC) pipeline

کالاهای صادراتی خود نیاز به منابع پایدار و ارزان انرژی دارد. طول این مسیر حدود ۳۰۰۰ کیلومتر است و از میدان‌های قزاقستان یا ترکمنستان آغاز و به بازارهای غرب چین در منطقه «سین کیانگ» منتهی می‌شود. خطوط این مسیر عبارت‌اند از: الف) خط لوله نفتی قزاقستان-چین^۱ به طول ۲۲۲۸ کیلومتر که در سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت را از آتیرائو در ساحل قزاقی دریای خزر آغاز و به کنکیانک واقع در استان سین‌کیانگ چین انتقال می‌دهد، ب) خط لوله گازی آسیای میانه-چین^۲ به طول ۱۸۳۳ کیلومتر که مناطق شرقی ترکمنستان را از طریق ازبکستان و قزاقستان به سین‌کیانگ و به خطوط لوله شرقی غربی چین متصل می‌کند در سال ۲۰۰۹ که آغاز به کار کرد ۱۰۶۰ میلیارد متر مکعب را در سال صادر کرد (www.news.thomasnet.com; www.eia.gov/...TX) و با بهره‌برداری خط موازی دیگر این مسیر در سال ۲۰۱۰ قرار است تا ژاپن نیز ادامه یابد.

مسیر جنوب نفت را از میدان‌های نفتی آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به بازارهای خلیج فارس و دریای عمان می‌رساند و تأمین کننده تقاضای انرژی در بازار روبه‌رشد هند و کشورهای صنعتی آسیای جنوب شرقی است. گرچه طرح‌های مختلفی از جمله خط لوله نفتی افغانستان-پاکستان^۳ برای انتقال نفت قزاقستان از طریق ترکمنستان و افغانستان به پاکستان و خط لوله گازی ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند^۴ که به خط لوله ماورای افغان^۵ هم شهرت دارد برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق قندهار در افغانستان به بندر گوادر در پاکستان به امضاء رسیده و در دست پی‌گیری است (ناریف، ۱۳۸۴:

^۱.Kazakhstan-China oil pipeline

^۲.Central Asia-China pipeline

^۳.Afghanistan-Pakistan pipeline

^۴.Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India (TAPI) pipeline

^۵.Trans-Afghan pipeline

۴۹) ولی به دلیل ناآرامی‌های داخلی در این کشورها و کمبود منابع مالی تا مرحله بهره‌برداری فاصله بسیاری دارند (www.eia.gov/...TX). در مقابل، گذرگاه اصلی و امن این مسیر، یعنی خاک ایران، از ثبات کافی و امنیت لازم برخوردار بوده و خطوط آماده بهره‌برداری فراوان و در دست توسعه بسیاری نیز وجود دارد و به همین دلیل مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران و در مقابل، مخالفت ایالات متحده آمریکا واقع شده است. این خطوط عبارت‌اند از: خط لوله گازی ترکمنستان-ایران^۱ به طول ۲۰۰ کیلومتر که از ترکمنستان شروع و به گُردکوی در ایران ادامه دارد از سال ۱۹۹۷ در واقع اولین خط لوله انتقال گاز طبیعی منطقه آسیای مرکزی بوده که به منظور میان‌بر زدن خاک روسیه به بهره‌برداری رسید (www.eia.gov/...TX). این خط لوله که ظرفیت سالانه آن ۴۷۷ میلیارد فوت مکعب است ۲۱۲ میلیارد فوت مکعب از گاز ترکمنستان را در مدت ۲۵ سال به‌طور سالانه در اختیار ایران قرار می‌دهد (www.eia.gov/...TX). دومین خط لوله گازی ترکمنستان و ایران از مسیر دولت‌آباد به خانگیران در دو مرحله در ژانویه و نوامبر سال ۲۰۱۰ به بهره‌برداری رسید که ظرفیت اولیه ۲۱۲ میلیارد فوت مکعب را به ۴۲۴ افزایش داد (Ibid.). خط لوله گازی جمهوری آذربایجان-ایران^۲ که مقدار اندکی گاز جمهوری آذربایجان را از طریق خط لوله باکو-آستارا به ایران منتقل می‌کند تا در ازای آن، ایران نیز گاز به جمهوری خودمختار نخجوان ارسال کند (www.eia.gov/...AJ). خط لوله نفتی سوآپ در ایران^۳ که از سال ۱۹۹۶ میان قزاقستان، ترکمنستان و ایران در جریان است، روزانه ۱۷۵ هزار تا ۳۷۰ هزار بشکه در روز، نفت دو کشور همسایه شمالی را در بندر نکا دریافت و معادل آن را در بندرهای خود در خلیج فارس به

^۱.Korpezhe-Kurt Kui pipeline and Dauletabad-Khangiran pipeline

^۲.Baku-Astara pipeline

^۳.Iran Oil Swap pipeline

مشتریان آن دو تحویل می‌دهد (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۳ به نقل از www.eia.doe.gov).

خطوط لوله و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک ایران

علاوه بر رویکردهای ژئوپلیتیک که مبتنی بر تسلط بر مهم‌ترین منابع طبیعی به‌منزله مقدمه تسلط بر جهان بود، در دوره جدید که این رویکردها جای خود را به انگاره‌های ژئواکونومی داده است، اهمیت خطوط انتقال انرژی اهمیت بیش از پیش پیدا خواهد کرد. درست است که انتقال انرژی از یک مسیر به معنی پذیرش خطر قرار دادن همه تخم مرغ‌ها در یک سبد است، اما از آنجا که هر خط لوله به معنی سود سرشاری برای کشور تولیدکننده انرژی و هم‌چنین کشور معبر آن می‌باشد برای کشورهای دیگری که می‌توانستند از این سود برخوردار شوند ولی بازماندند به معنی محرومیت نسبی است و به‌صورت از دست رفتن امتیازاتی از جمله دسترسی به نفت و گاز مورد نیاز داخل، سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد اشتغال، دستمزدهای ترانزیت سرشار و وسیله نفوذ بر جریان نفت و گاز نمایان می‌گردد (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۰: ۹۲).

از اینها مهم‌تر، عبور خط لوله انتقال نفت یا گاز از یک کشور، موجب افزایش اعتبار استراتژیک آن کشور شده و پیوستگی امنیتی کشورهای منطقه را به‌دنبال خواهد آورد؛ همان‌طور که خط لوله گازی ایران-ترکیه که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد و در سال ۲۰۱۰ به ظرفیت صادرات روزانه ۳۴ میلیون متر مکعب گاز به این کشور شد و هم‌چنین خط لوله گازی ایران-ارمنستان که در سال ۲۰۰۹ پس از دو سال وقفه کار انتقال گاز ایران به ارمنستان را از سر گرفت و موجب صادرات روزانه ۲۴ میلیون متر مکعب گاز به این کشور

گردید (www.eia.gov/...IR) و هر دو خط لوله موجب هم‌بستگی و دل‌بستگی این کشورها در حفظ منافع و امنیت یک‌دیگر گردیده است.

انتخاب مسیر انتقال انرژی از طریق لوله به دو عامل مهم مسافت و امنیت بستگی دارد که کوتاهی مسافت و هزینه اندک برای تأمین امنیت لوله‌ها در انتخاب مسیر نقش مهمی دارد. براین‌اساس، برخی بر این اعتقاد هستند که به موقعیت ایران در منطقه اروپا-آسیا نباید صرفاً به‌عنوان یک کشور دارای منابع غنی انرژی نگریست (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۰: ۹۲)، بلکه جغرافیای ایران از جنبه‌های گوناگونی از جمله موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک حائز اهمیت است. از لحاظ ژئوپلیتیک، ایران در مرکز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قرار گرفته است و از لحاظ ژئواستراتژیک، خطوط مواصلاتی زمینی، هوایی و تا حدودی دریایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب را از خود عبور می‌دهد و همه اینها ایران را از لحاظ ژئواکونومیک، دارای موقعیت منحصر به فرد اقتصادی در منطقه کرده است (چشمه‌اعلایی، ۱۳۸۴: ۱۴۷) و از همین رو، حضور و رقابت خود را در این منطقه، نوعی تأمین «منافع حیاتی» که مستقیماً بر امنیت این کشور تأثیر دارد، به‌شمار می‌آورد (مشفقی‌فر، ۱۳۸۳: ۴۴).

احداث خطوط نفت و گاز خزر به سمت بازارهای بین‌المللی از راه ایران، بدون تردید عملی‌ترین راه اقتصادی نمودن صادرات نفت و گاز منطقه به بازارهای جهانی است چرا که این مسیر کوتاه‌ترین، امن‌ترین و ارزان‌ترین گزینه در میان مسیرهای مشابه برای صدور کالاهای انرژی این منطقه در اختیار هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان می‌گذارد و در این میان تفاوتی میان بازارهای گسترده اروپا، شبه‌قاره هند، آفریقا و خاور وجود ندارد. صدقی (۱۳۸۰: ۱۱۰) نیز با تأیید این مطلب، حداقل دو دستاورد بسیار مهم در سده بیست و یکم برای عبور لوله‌های نفت و گاز از ایران برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: (۱) افزایش ارزش ژئوپلیتیک ایران با تسلط بر منابع نفتی دریای

خزر و خلیج فارس و تأثیرگذاری بر عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان؛ ۲) ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی، کاهش تهدیدهای امنیتی و وابستگی متقابل از راه لوله‌های نفت و گاز. پهلوانی و حیرانی نیا (۱۳۸۷: ۴۴۶) نیز از این موقعیت بی‌نظیر ژئوپلیتیک ایران، به‌عنوان مرکز تجارت و توزیع منطقه و محور شمال و جنوب در تولید نفت و گاز و محور شرق و غرب در مصرف آنها می‌داند که به اشکال گوناگونی می‌تواند نقش و سهم ایران را در بازار انرژی جهان افزایش دهد.

البته تلاش ایران برای انتقال نفت و گاز خود از طریق خطوط لوله تنها به موارد ذکر شده و در حال بهره‌برداری محدود نمی‌شود و طرح‌های بسیاری از جمله خط لوله نفتی قزاقستان-ترکمنستان-ایران مطرح است که به طول ۱۵۰۰ کیلومتر از قزاقستان شروع و با عبور از ترکمنستان، روزانه یک میلیون بشکه نفت خام را به جزیره خارک در خلیج فارس انتقال دهد (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۳ به نقل از www.eia.doe.gov). خطوط لوله گازی صلح ایران-پاکستان-هند، ایران، جمهوری آذربایجان، ایران-عراق-سوریه، ایران-امارات متحده عربی و ایران-اروپا نیز در مراحل تهیه، توافق و بعضاً در دست بهره‌برداری نهایی است که خود حاکی از علاقه جمهوری اسلامی ایران به حفظ حضور و بهره‌مندی از مزایای اقتصادی همکاری در منطقه خزر و جهان است اما عوامل متعددی فرصت‌های ایران را برای کسب نقش و نفوذ بیشتر در منطقه خزر محدود کرده است. غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا معتقد است که با گذر خط لوله انتقال نفت دریای خزر از خاک ایران، سود سرشار این عبور به ایران می‌رسد و ایران از منافع مادی آن در زمینه‌های غیر مسالمت‌آمیزی بهره‌برداری می‌کند. از طرف دیگر با وابستگی ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه خزر به ایران، نقش بیشتری به ایران برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشورها داده می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۱: ۵۲).

این رفتار مخالفت‌جویانه ایالات متحده باعث شده تا طرح‌ها و برنامه‌های انتقال منابع انرژی دریای خزر با کمترین مشارکت ایران به‌اجرا درآمده و مراحل نهایی خود را پشت سر بگذارد و در نتیجه، فرصت‌های تاریخی برای همیشه از دست‌رس ایران خارج گردد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). اما با توجه به اینکه خوشبختانه در کنار برخی سیاست‌های انحصاری، سیاست‌های تنوع‌سازی در منابع تولید، عرضه، فروش و انتقال نیز مطرح و در دست اجرا است (رفیع و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۶۵)، این انتظار منطقی نیست که کشورهای ساحلی دریای خزر تمام نفت و گاز تولیدی خود را تنها از مسیر ایران انتقال دهند ولی ایران می‌تواند از طریق ظرفیت‌سازی و ارائه تسهیلات بیشتر، حجم بیشتری از انرژی منطقه را از طریق خاک خود پذیرا گردد؛ از جمله این موارد مشارکت در خط انتقال گاز منطقه شاه‌دیز و انتقال منابع انرژی حوزه کاشغان در قزاقستان است که به نظر می‌رسد بتوان فرصتی برای مشارکت ایران و بهره‌برداری از مزایای ژئوپلیتیک آن جستجو کرد.

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حوزه دریای خزر علاوه بر اهمیت ژئوپلیتیک خود، از اهمیت ژئواکونومی خاصی نیز برخوردار شد و کشورهای ساحلی این حوزه، نگرش‌های متفاوتی نسبت به آن پیدا کردند. برخورداری این منطقه از حجم عظیمی از ذخایر انرژی، دور بودن آن از بازارهای جهانی، موقعیت سرزمینی کشورهای حاشیه آن و دست‌رسی نداشتن به آب‌های آزاد و نبود زیرساخت‌های لازم برای انتقال انرژی به بازارهای مصرف در اروپا و آسیای جنوب شرقی، سبب شده تا گونه‌ای وابستگی به کشورهای اطراف خود برای انتقال انرژی پدید آید که بر ژئوپلیتیک منطقه اثرگذار است و هر

یک از کشورهای منطقه تلاش می‌کنند تا مسیری را که بیشترین منافع را برای آن دربرداشته باشد، برگزینند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری اسلامی ایران با ارائه پیشنهاد سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر، ایده همکاری کشورهای تازه استقلال‌یافته در یک سازمان منطقه‌ای را در نظر داشت تا علاوه بر کاهش وابستگی این کشورها به روسیه، موجب هم‌گرایی هر چه بیشتر آنها با یک‌دیگر و ایران گردد که با مخالفت صریح ایالات متحده و تبلیغات گسترده ضد ایرانی، نه تنها هم‌گرایی فراهم نشد بلکه موجب دوری آنها از ایران نیز شد. سرمایه‌گذاران غربی با امضاء قراردادهای مختلف و احداث خطوط مختلف انرژی، موقعیت خود را مستحکم‌تر نیز نمودند.

عبور لوله‌های نفت و گاز از مسیری به دور از ایران، نه تنها امتیاز اقتصادی متصور از این همکاری را از ایران دریغ داشته است بلکه موقعیت ژئوپلیتیکی آن را نیز به شدت به خطر انداخته و حتی در بلندمدت می‌تواند نقش تأثیرگذار ایران در معادلات نفتی و اقتصادی جهان را بیش از پیش کاهش دهد. با توجه به افزایش روزافزون تقاضا برای انرژی در سطح جهان، ارتقای سطح توسعه اقتصادی و هم‌چنین جای‌گزینی سیاست تنوع به جای انحصار در منابع تولید، عرضه، فروش و انتقال انرژی، توصیه می‌شود با همکاری و تعامل بیشتر بتوان جایگاه بهتری برای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه به دست آورد.

منابع

احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۹)، «ژئوپلیتیک جدید ایران بعد از جنگ سرد»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹، اسفند.

احمدی‌پور، زهرا، لشگری تفرشی، احسان و قنبری، قاسم (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک دریای خزر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

احمدی نفورکی، بهزاد (۱۳۸۳)، راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، تهران، انتشارات ابرار معاصر.

اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، بهار.

اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «نفت، ژئوآکونومیک و امنیت ملی ایران»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۶، زمستان.

امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۰)، «مخاطرات سیاسی مسیرهای مختلف خطوط لوله در حوزه دریای خزر»، ترجمه علیرضا طیب، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۶۵-۱۶۶.

انتخابی، نیلوفر (۱۳۷۹)، «امکان‌سنجی احداث خطوط لوله نفت دریای خزر»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۵۵-۱۵۶.

بهجت، جودت (۱۳۷۹)، «ژئوپلیتیک دریای خزر: دورنمایی از هزاره جدید»، ترجمه ناصر تیموری، تهران، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۵-۱۵۶.

پهلوانی، عبدالکریمه و حیرانی نیا، جواد (۱۳۸۷)، «همکاری‌های بین‌المللی و توسعه بخش انرژی (نفت و گاز) جمهوری اسلامی ایران: بررسی تجربه روسی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷.

جعفری‌نژاد، سیدابوالفضل (۱۳۸۴)، «انتقال انرژی و امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله اقتصاد انرژی، شماره ۷۹-۸۰ بهمن و اسفند.

چشمه‌اعلائی، مهرداد (۱۳۸۴)، «جمهوری اسلامی ایران و تحولات حوزه قفقاز و آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۸)، «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷.

حبیبی، سلاله (۱۳۸۱)، «نقش آمریکا در خزر»، در مجموعه مقالات نقش قدرت‌های خارجی در خزر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات دریای خزر.

حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۳)، «آرزوهای داری؛ طعم کنسرسیون»، **ماهنامه زمانه**، سال سوم.

رفیع، حسین و جعفری تهرانی، پیمان و تقی نژاد، روح‌الله (۱۳۹۰)، «انگیزه‌ها و بازدارنده‌های برجسته در مجموعه امنیتی منطقه‌ای دریاچه مازندران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نهم، شماره ۳۵.

سجادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی آمریکا و مسئله انرژی در مناطق شمالی ایران»، در **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز (آینده نگری به سامانه‌های انرژی)**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، «تأثیرات ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی حوزه خزر بر امنیت ملی ایران»، تهران، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۳۴، بهار.

قبادزاده، ناصر (۱۳۸۳)، خزر: رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و نقش آمریکا در منطقه، گفتگو با کارشناسان (دکتر کولایی، دکتر مجتهدزاده، دکتر صفوی، دکتر باوند و دکتر مولایی)، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

کولائی، الهه (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال اول، شماره اول، بهار.

مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۸۳)، «تحولات نظامی قفقاز جنوبی و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۶.

میرحیدر، دره و طاهری شمیرانی، صفت‌الله (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک خزر: تغییر و تداوم»، در **کتاب خزر در یک نگاه**، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات خزر.

ناریف، ب. (۱۳۸۴)، «عبور خط لوله گاز از منطقه افغانستان (ترکمنستان-افغانستان-پاکستان)»، ترجمه مجید یعقوبی، در **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز (آینده نگری به سامانه‌های انرژی)**، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، جایگاه خزر در استراتژی‌های جهانی با تأکید بر قرن بیست و یک، تهران، نشر زیتون سبز.

نژادحسینیان، هادی (۱۳۸۴)، «همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه انرژی باعث تحکیم پیوند کشورها شده است»، **مجله مشعل**، شماره ۳۰۴.

Bahgat Gawat (1999) , “The Caspian Sea Geopolitical Game: Perspects for the New Millenium”, **OPEC Review**, September.

Bourtman I. (2006) , “No Borders, No Problem: Why the Lack of A Framework in the Caspian Sea is not Affecting Energy Exploration”, **SAIS Review**, Winter- Spring.

en.wikipedia.org/wiki/Baku-Novorossiysk_Pipeline

en.wikipedia.org/wiki/Nord_Stream

pipeline-news.com/home

www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/iedindex3.cfm?tid=3&pid=26&aid=1&cid=AJ,IR,KZ,TX,&syid=2000&eyid=2011&unit=BCF

www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=AJ

www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=IR

www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=KZ

www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=RS, Last Updated: September 18, 2012

www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=TX

www.energyna.ir/T_____خط-لوله-گاز-ناباکو.htm.

www.irannews24.ir/details/2336/Oil.

www.nixon.org/publication/energy.

www.oilandgas.com

www.petrolcu.com/sanaat/?kategori=petromercek,id-95 27/03/2006.

www.shana.ir/197774-fa.html.

www.zaman.com.tr/25/5/2007.